



لایحه حقوقی زنان

پیشنهاد همبود فمینیستی ایران، برای زن، زندگی، آزادی

نسخه کوتاه

پیشنهاد همبود فمینیستی ایران، برای زن، زندگی، آزادی¹

بازنویس ششم: ۱۱ اسفند ۱۴۰۳

برای نخستین بار در ۱۷ هفدهم اسفند ۱۴۰۱ منتشر شد.

پیشگفتار

جنبش «زن، زندگی، آزادی» در سپتامبر ۲۰۲۲ با قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی، زن جوان کرد ایرانی که توسط گشت ارشاد به بهانه رعایت نکردن حجاب کامل بازداشت شده بود، آغاز شد. اعتراضی که به قوانین اجباری حجاب و تبعیض سیستماتیک علیه زنان شروع شد، به سرعت به درخواست گسترده‌تر برای سرنگونی رژیم تبدیل شد که مشروعیت خود را در چشم مردم از دست داده بود.

ایرانیان در داخل و خارج کشور همبستگی بی‌سابقه‌ای از خود نشان دادند. در داخل ایران، جوانان با سازمان‌دهی اعتراضات پراکنده گسترده، نیروهای سرکوب‌گر ادچار فرسایش‌نااتوانیدر مهار اعتراضات کردند. در همین حال، ایرانیان در دیاسپورا، در اروپا، آمریکای شمالی، استرالیا و دیگر نقاط جهان با گرد هم آمدن هفتگی خود تظاهرات عظیمی برپا کردند. از اروپا و هند تا سنگال، جامعه مدنی جهانی حمایت خود را از زنان ایرانی نشان داد و همبستگی فوق‌العاده‌ای را به نمایش گذاشت. تظاهرات در سراسر ایران با سرکوب و حشیان دولت مواجه شد که بیش از ۵۰۰ کشته، شمار بسیاری مجروح - به ویژه نابینا کردن دختران - و بیش از ۲۰ هزار بازداشت به همراه داشته است.

از همان ابتدا، بسیاری از ما احساس کردیم که تغییر اگر چه نه فوری، حداقل در افق نه چندان دور اجتناب‌ناپذیر است. بادرک اهمیت این لحظه سرنوشت‌ساز، گروهی از کنشگران برجسته جنبش زنان، دانشگاهیان و وکلای حقوق بشر تصمیم گرفتند، چشم‌اندازی برای آینده طراحی کنند و سند حقوقی جامع مربوط به زنان، برای منظور کردن در قانون اساسی آینده ایران پس از گذار از جمهوری اسلامی، را تدوین کنند. به‌طور تاریخی، زنان با وجود مشارکت قابل توجه‌شان در انقلاب‌های گذشته، از حقوق شهروندی برابر در قانون اساسی محروم شده بودند. این بار، ما مصمم هستیم که صدایمان شنیده شود و حقوق برابر و کرامت انسانی برای همه شهروندان تضمین گردد.

با این هدف، گروهی از کنشگران فمینیست گرد هم آمدند تا «لایحه حقوق زنان ایران» را تدوین و تفسیر کنند که چگونه شعار «زن، زندگی، آزادی» در قانون اساسی آینده محقق شود. این ابتکار عمل، زنان فمینیست، وکلا و دانشگاهیان از داخل ایران و دیاسپورا را کنار هم جمع کرد. محبوبه عباسقلی‌زاده یکی از زنان فعال در کمیته تدوین منشور زنان ایران در سال 2009 از چند تن زنان

¹ شعار «زن، زندگی، آزادی» از شعار کردی زن، ژینا، آزادی سرچشمه می‌گیرد که یک ندای فمینیستی طولانی مدت برای حقوق زنان، تقدس زندگی، و آزادی و برابری است. مرگ ژینا (مهسا) امینی، یک زن کرد ایرانی تحت بازداشت پلیس در سپتامبر 2022 این شعار را در اعتراضات توده‌ای ایران که پس از آن به وقوع پیوست، احیا کرد و ترجمه آن به فارسی به عنوان زن، زندگی، آزادی تبدیل به فریاد جمعی شد که در برابر تبعیض‌های در هم تنیده شده، نابرابری جنسیتی، ستم بر اقلیت‌های قومی، تبعیض اقتصادی، و سیاست استبدادی مقاومت می‌کنند.

همکار خود در آن کمیته دعوت کرد، تا به ما ببینند و تجربه ارزشمندشان را به اشتراک بگذارند.² در پایان اکتبر 2022، گروه متنوعی از فمینیست‌های جوان و با تجربه برای شروع این کار حیاتی گرد هم آمدند.

ما جلساتی را برگزار کردیم تا ارزش‌های بنیادی و چارچوب لایحه‌حقوق را بررسی کنیم. به منظور افزایش مشارکت همگانی، تصمیم گرفتیم از اصطلاحات حقوقی پیچیده پرهیز کنیم تا متن نه‌تنها برای حقوق‌دانان، بلکه برای تمامی زنان و عموم مردم قابل درک و استفاده باشد. چندین کمیته، از جمله کمیته‌های تدوین و پژوهش، تشکیل شد. ما از کمیته‌ی مشورتی متشکل از چندین کارشناس قانون اساسی ایرانی و غیر ایرانی، دعوت کردیم. متن به طور همزمان به زبان‌های فارسی و انگلیسی تهیه شد تا دسترسی همگانی فراهم شود، هدف ما این بود که اولین نسخه را در ۸ مارس ۲۰۲۳، روز جهانی زن و سالگرد اعتراضات زنان ایرانی علیه حجاب اجباری، در سال 1979/1357 منتشر کنیم.

پس از بحث‌های گسترده، تصمیم گرفته شد گروه را با عنوان «همبود فمینیستی برای زن، زندگی، آزادی» معرفی کنیم. هدف ما این بوده است که این لایحه‌ی حقوقی را به صورت دوره‌ای بر اساس بازخوردهای عمومی بازنگری و به‌روزرسانی کنیم. تا پایان نوامبر ۲۰۲۲، شرکت‌کنندگان لیست‌های پیشنهادی خود را ارسال کردند و کمیته تدوین، کار خود را آغاز کرد و بخش‌های آماده شده را برای بازبینی به اشتراک گذاشت. از طریق تلاش‌های جمعی، اولین نسخه تکمیل و طبق برنامه منتشر شد.

این متن در پلتفرم‌های عمومی و شبکه‌های اجتماعی توزیع شد و اعضای کمیته‌ی تدوین در مصاحبه‌های رسانه‌ای شرکت کردند تا مفاد لایحه را اطلاع‌رسانی کنند. در ۲۵ مارس ۲۰۲۳، این سند در یک گردهمایی بزرگ از دانشگاهیان ایرانی و مدافعان دموکراسی کثرت‌گرا در دانشگاه استنفورد ارائه شد. وینار دیگری در ۱۵ آوریل در دانشگاه تورنتو برگزار شد که بیش از ۲۲۰ شرکت‌کننده داشت، از جمله زنان ایرانی در دیاسپورا در سراسر جهان و از داخل ایران و افغانستان. شرکت‌کنندگان بازخورد گسترده‌ای ارائه دادند که راهنمای اصلاحات بعدی شد. همچنین درخواست‌هایی از زنان منطقه و جوامع دیاسپورا برای برگزاری و بیناری مشابه به زبان انگلیسی دریافت کردیم که امیدواریم در آینده آن را برگزار کنیم.

از آن زمان تاکنون، جلسات حضوری در شهرهایی مانند لندن، استانبول، برلین، تورنتو و مونترال برگزار شده است. اگرچه نگرانی‌های امنیتی مانع از ارائه جزئیات درباره بحث‌های جمعی داخل ایران می‌شود، ما همچنان بازخورد ارزشمندی از شرکت‌کنندگان داخل کشور دریافت می‌کنیم.

نسخه فعلی این سند که بازنگری و ویرایش ششم است، حاصل بیش از 120 بازخورد کتبی و صوتی و چندین وینار است. این فرآیند همکاری، نشان‌دهنده تعهد ما به تدوین چارچوبی مستحکم، جامع و فراگیر برای حقوق زنان در ایران دموکراتیک آینده است. در آینده، قصد داریم بر موضوعات خاصی مانند عدالت انتقالی، نمایندگی برابر سیاسی و قوانین انتخاباتی تمرکز کنیم.

² زنان ایرانی با تکیه بر تحقیقات گسترده و مشورت با زنان از استان‌های مختلف، منشور زنان را با هدف پرداختن به حقوق و مطالبات آنان تدوین کردند. این منشور به‌طور رسمی در دوره انتخابات درخرداد 1388 (ژوئن ۲۰۰۹) رونمایی شد. با این حال، ناآرامی‌های سیاسی پس از انتخابات منجر به دستگیری و زندانی شدن بسیاری از فعالان زن شد و بسیاری دیگر مجبور به انتخاب تبعید خود خواسته در مقابله با زندانی شدنشان گشتند. در نتیجه، این منشور هرگز نهایی نشد و شمار فزاینده‌ای از زنان به این نتیجه رسیدند که اصلاحات سیاسی معنادار در چارچوب رژیم موجود امکان‌پذیر نیست.

نسخه کامل این سند در وبسایت www.iwbr.org قابل دسترسی است. از همه خوانندگان و علاقه‌مندان دعوت می‌کنیم نظرات و پیشنهادات خود را از طریق وبسایت contact@iwbr.org برای ما ارسال کنند.

از طرف کمیته تدوین
هما هودفر

University of Toronto
The Elahé Omidyar Institute of Iranian Studies
presents
پژوهشکده ایران شناسی الهه امیدیار میرجلالی برگزار می‌کند

A symposium on
The Iranian Women's Bill of Rights
نشست لایحه حقوقی زنان ایران

زن، زندگی، آزادی
Saturday, 15 April 2023,
1:00-3:30 PM Eastern Time
(Canada and the US)

شنبه ۱۵ آوریل ۲۰۲۳
ساعت ۱:۰۰ بعدازظهر به وقت تورنتو

Zoom
Registration

UNIVERSITY OF TORONTO
FACULTY OF ARTS & SCIENCE
Elahé Omidyar Institute of Iranian Studies

● فهرست واژه های اختصاری:

- اعلامیه جهانی حقوق بشر 1948 (UDHR)،
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ (ICCPR)،
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ (ICESCR)،
- کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ (CEDAW)،
- کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و یا تحقیرآمیز ۱۹۸۴ (UNCAT)،
- اعلامیه حذف خشونت علیه زنان ۱۹۹۳ (DEVAW)،
- کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (UNCRC)،
- قطعنامه شورای امنیت در مورد زنان، صلح و امنیت (قطعنامه ۱۳۲۵) در سال ۲۰۰۰ و قطعنامه‌های مرتبط که به طور جمعی "دستورکار زنان، صلح و امنیت (WPS Agenda) را تشکیل می‌دهند، شامل:
- قطعنامه ۱۸۲۰ (۲۰۰۸): مقابله با خشونت جنسی به عنوان سلاح جنگی و ارائه اقدامات برای حفاظت از زنان و دختران در طول درگیری‌های مسلحانه.
- قطعنامه ۱۸۸۸ (۲۰۰۹): تقویت اقدامات مقابله با خشونت جنسی در درگیری‌های مسلحانه، از جمله تعیین نماینده ویژه برای موضوع خشونت جنسی در درگیری‌ها.
- قطعنامه ۱۸۸۹ (۲۰۰۹): تأکید بر مشارکت زنان در بازسازی و ایجاد صلح و بهبودی پس از درگیری.
- قطعنامه ۱۹۶۰ (۲۰۱۰): ایجاد سازوکارهای پاسخگویی برای مقابله با خشونت جنسی در درگیری‌ها.
- قطعنامه ۲۱۰۶ (۲۰۱۳): تأکید بر لزوم عدالت و پاسخگویی در برابر خشونت جنسی و برجسته کردن نقش زنان در پیشگیری و حل منازعات.
- قطعنامه ۲۱۲۲ (۲۰۱۳): ترویج رهبری زنان و مشارکت آن‌ها در پیشگیری از منازعات، حل منازعات و فرآیندهای صلح.
- قطعنامه ۲۲۴۲ (۲۰۱۵): ادغام دستورکار زنان، صلح و امنیت در استراتژی‌های گسترده‌تر سازمان ملل، از جمله مقابله با تروریسم و تغییرات اقلیمی.
- قطعنامه ۲۴۶۷ (۲۰۱۹): تقویت رویکردهای حمایتی در مورد کسان آسیب دیده در راستای رسیدگی به خشونت جنسی در درگیری‌ها.
- قطعنامه ۲۴۹۳ (۲۰۱۹): تأکید بر تعهدات دستورکار زنان، صلح و امنیت و درخواست برای تسریع در اجرای این قطعنامه‌ها.

- قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) و قطعنامه های پس از آن، به طور کلی با هدف حفاظت از زنان و دختران در شرایط اضطراری، پیشگیری از خشونت، و تضمین مشارکت آنها در فرآیندهای صلح سازی و تصمیم گیری تصویب شده اند.
- این موضوع توسط سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است، هر چند که تاکنون به عنوان یک قطعنامه مستقل تصویب نشده است. با این حال، با استناد به کنوانسیون های موجود مانند کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) و دستور کار زنان، صلح و امنیت، خشونت علیه زنان در سیاست محکوم شده و از منظر حقوق بین الملل مورد بررسی قرار می گیرد. علاوه بر این، مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۵۸/۱۴۲ (۲۰۰۳) و اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ (SDG 5) بر اهمیت مشارکت سیاسی زنان تأکید می کند.

دیباچه: زمینه تاریخی

در طول تاریخ، زنان توسط سنت های فرهنگی و ساختار های اجتماعی که اغلب به نام و پشتیبانی دین قوام می گرفتند، از عرصه عمومی کنار گذاشته می شدند، اما به رغم این محدودیت ها، زنان همواره با نقش آفرینی موثر خود در جنبش های تحول خواه تاریخ به ویژه تاریخ مدرن از جنبش تنباکو (۱۸۹۰-۱۸۹۲) تا انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۱۹۱۱) و انقلاب ۱۳۵۷ بخش جداناپذیر این جنبش ها بوده اند، اما هر بار پس از پیروزی این جنبش ها زنان را از برخورداری از حقوق اولیه بشری و شهروندی محروم کردند، کما این که زنان در قانون اساسی مشروطه در زمره کودکان و مجنونان قرار داده شده بودند. محرومیت سازی زنان در انقلاب ۱۳۵۷/۱۹۷۹ به اوج رسید، به طوری که بسیاری از حقوقی که زنان طی سال ها در دوران مدرن سازی پهلوی (۱۹۲۵-۱۹۷۹) به تدریج به دست آورده بودند، را از آن ها سلب کردند.

هر چه بیشتر عرصه عمومی برای زنان تنگ ترمی شد، آنان برای دستیابی به حقوق خود با شدت بیشتری به مبارزه بر می خاستند. زنان زود تر از همه دریافتند که نگرش و ایدئولوژی رهبران سیاسی در قامت دین به سلب آزادی ها و حقوق اولیه انسانی تعرض کرده است و از همان اولین روز های پس از انقلاب زنان در اسفند ۱۳۵۷ یک روز بعد از فرمان خمینی برای حجاب اجباری به طور خودجوش و به اعتراض به تظاهرات خیابانی برخاستند. زنان متوجه بودند که رژیم، بدن آن ها را به عنوان اسلحه و هویت ایدئولوژیک سیاسی خود در نظر دارد. زنان با وجود انواع تهدید ها بر جان، جایگاه، منزلت و کرامت انسانیشان به انواع مبارزه مدنی از روزمره تا سازماندهی شده دمی باز نایستادند. به رغم اعمال فشار ها زنان همچنان به حضور خود در عرصه عمومی ادامه دادند. آن ها پیوسته در میدان مبارزه حضور داشتند به سازمان دهی، حرکت مردمی، لابی گری، نگاشتن نامه های سرگشاده و طومار های اعتراضی، انتشار منشور زنان (۲۰۰۹)، شرکت در اعتراضات خیابانی، پیشتازی در تحصیلات و هنرها، و به چالش کشیدن مرزهای سنتی، از جمله در ورزش و پوشش، به طور گسترده پرداختند. به تشکیل کمپین های متعدد از جمله کمپین مبارزه با مجازات سنگسار، کمپین سلامتی برای همه، کمپین علیه لایحه خانواده، کمپین حق ورود به ورزشگاه، کمپین با هم علیه اسیدپاشی، پیش نویس منشور زنان و کمپین توقف قتل های "ناموسی" و غیره پرداختند. هدف اصلی زنان در تمام این مبارزات "داشتن حق شهروندی برابر، حقوق بشر بنیادی و خود مختاری بر بدنشان بود". زنان می خواستند از قید و بند های پدر-مردسالارانه ای که تحکیم بخش رژیم اسلامی است رهایی یابند.

پاسخ رژیم به مبارزات مسالمت آمیز زنان مقابله خشن و سرکوب بود. بی توجهی رژیم به خواسته ها و پاسخ های معنادار و سرکوب بی رحمانه اش منجر به شکل گیری جنبش فراگیر «زن، زندگی، آزادی» شد. جنبشی که زنان به طور علنی و با عملکردی نمادین، حجاب اجباری را، که نماد ایدئولوژیک رژیم بود، کنار گذاشتند. این جنبش نه تنها با پوشش همه خواسته های برحق آزادی و عدالت طلبی زنان و گروه های مبارز روحیتازه داد، بلکه شور و هیجان و احساس همبستگی تازه ای برای جنبش فمینیستی فراملیتی به ارمغان آورد.

با توجه به درس های برگرفته از تاریخ و تجربه اندوخته شده در بیش از چهل سال مبارزه روزانه بی امان، به بهای از دست رفتن زندگی دختران و مردان جوان و زنان مبارز، زنان ایرانی اجازه نخواهند داد، بار دیگر در جریان انقلاب و یا تغییرات ساختاری دیگری کنار گذاشته و خواسته هایشان فراموش شود. امروز، مردان و زنان فمینیست، چه در داخل و چه در خارج ایران، تعهد دارند که اصول و ارزش های جنبش «زن، زندگی، آزادی» را به خواسته های عملی تبدیل کنند و مصمم هستند که

این اصول را در قانون اساسی آینده بگنجانند. زنان می خواهند قرارداد اجتماعی جدیدی برقرار کنند و برابری واقعی گونه گون زنان در تمام گستره ها تضمین شود.

در شروع این جنبش، همبود فمنیستی «زن، زندگی، آزادی» با هدف تدوین «اعلامیه حقوق زنان ایرانی» و بیان چشم انداز حقوق زنان در قانون اساسی آینده گرد هم آمدند- کاری که در انقلاب های پیشین به طور عمده نادیده گرفته شده بود- . این نوشتار (و همچنین سایر منشور هایی از این دست) شامل تدابیر و ابتکاراتی است که سعی دارد از تکرار خیانت های گذشته جلوگیری کند و اطمینان حاصل کند که صدای زنان و خواسته هایشان در کانون مرکزی شکل گیری آینده کشور قرار خواهد گرفت.

" همبود فمنیستی " بر کرامت ذاتی، برابری و حقوق تمامی زنان و مردان به عنوان اصول بنیادین عدالت، آزادی و دموکراسی و همچنین بر تکثر و چندصدایی در ایران باز سازی و نوسازی شده ی آینده تأکید می کند. همبود فمنیستی خواستار آن است که موانع همیشگی برابری جنسیتی ریشه کن شود و جامعه آینده ایران نسبت به نابودی تبعیض و سرکوب سیستماتیک علیه زنان و دیگر اقشار و گروه های بی جا (رانده شده) در مناسبات قدرت جامعه، تعهدی محکم و قاطع داشته باشد. همبود فمنیستی با مشارکت گروه متعدد و متنوع زنان فعال مدنی، حقوق دانان، دانشگاهیان از اکتبر 2022 شروع و با چندین دور رفت و برگشت تدوین و در باز خورد بیش از 120 پیشنهاد از جامعه ایران و خارج از ایران نهایی شده است.

این نوشتار حقوقی، که ما بر آن نام لایحه زنان را نهاده ایم، خواسته های ما را بیان کرده و تأکید می کند که حقوق زنان و حقوق بشر، جهانی و غیر قابل تفکیک هستند. ما باور داریم که برقراری حقوق بشر و پایداری دموکراسی کثرت گرا تنها از مسیر تحقق حقوق زنان امکان پذیری گردد.

این یک فراخوان برای اقدام به تحول قانونی و اجتماعی است که اطمینان می دهد، هر زن در ایران و برای نژاد، اتنیک، مذهب، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و توانایی یا هویتی، می تواند زندگی عاری از خشونت، تبعیض و ترس داشته باشد و به نحو احسن و کامل به فرصت ها و منابع مناسب ظرفیت های خود، دسترسی پیدا کند.

ما به دموکراسی کثرت گرا باور داریم که بر اساس تعهد به اعلامیه جهانی حقوق بشر بنا می شود و چرخش مسالمت آمیز قدرت را برای ساخت آینده ای با کرامت انسانی و تکثر سیاسی هموار می کند . ما با پرهیز از فراموشی تاریخی و درس گرفتن از گذشته بر آنیم که به لزوم حفاظت از حقوق قانونی زنان با همه گوناگونی هایشان در قانون اساسی آینده پافشاری کنیم. ما هوشیار خواهیم بود که برابری جنسیتی به یک واقعیت قانونی بستر ساز فرهنگی، اجتماعی غیر قابل برگشت تبدیل شود.

برای دستیابی به کرامت زنان و تمامی شهروندان و ساکنان، ایران باید حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶، کنوانسیون حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹، کنوانسیون ضد شکنجه ۱۹۸۴، اعلامیه حذف خشونت علیه زنان ۱۹۹۳، و اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل (۲۰۰۰) همراه با قطعنامه های پیرو را مصوب و رعایت کند. این اصول باید سنگ بنای قانون اساسی ایران در نظر گرفته شود.

ما باور و تاکید داریم که در کنار رسیدگی به جرایم کیفری، تمامی اشکال بی عدالتی قانونی - به ویژه، آن هایی که زنان و گونه گونی دینی را هدف قرار می دهند- و همچنین اعدام ها، شکنجه ها و زندانی کردن های سیاسی، و هر گونه تعرض های جنسی -جنسیتی باید از طریق چارچوبی از عدالت انتقالی که در قانون اساسی در نظر و قوام گرفته است، مورد رسیدگی قرار گیرد. عدالت انتقالی نه تنها

وسیله‌ای برای رسیدگی به سوءاستفاده‌های گذشته است، بلکه یکی از ارکان حیاتی برای پرورش فرهنگی خشونت پرهیز حامی صلح و گفت‌وگو و زمینه ساز برای عدم تکرار رفتار های مشابه در آینده است.

ما حق تمامی افراد، به ویژه زنان، برای تعیین سرنوشت خود را تأکید می‌کنیم. ملت ایران تنها منبع مشروع قدرت، آزادی، کرامت انسانی و عدالت اجتماعی و حقوق غیر قابل نقص هر زن، شهروند و ساکنان ایران است.

**8th MARCH 2023
INTERNATIONAL
WOMEN'S DAY
CELEBRATION:
WOMEN, LIFE,
LIBERTY**

Please join us for reflections on the Italian Women, Life, Liberty (W.L.L.) Movement, and the prospects for women's empowerment and leadership in Iran and the Middle East

Wednesday, 8 March, 2023, 6:15-8:45 p.m.
Eastern Time (Canada and the US)

Schedule of Events
6:15-6:45, Registration and Reception

TICKET
RESERVATION

یاد داشتی برای خوانندگان

اگرچه هدف ما تدوین لایحه حقوق زنان است و نه یک قانون اساسی کامل، اما به ناگزیر باید چارچوب بنیادین و خطوط کلی قانون اساسی همراستا با روح لایحه مورد نظر را مدون می‌کردیم، قانون اساسی‌ای که حفاظت از حقوق ما را تضمین کند. به همین منظور، ما اصول اساسی، روح و ارزش‌هایی را که برای این قانون اساسی ضروری می‌دانیم، مشخص کرده‌ایم. این سند بادیدگاهی چند وجهی و در هم تنیده پشتیبان مطالبات گسترده‌تر ما برای برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی است. هفت ماده نخست این سند بر اصول بنیادین و روح قانون اساسی تمرکز دارد، اصولی که ما آنها را برای تحقق و تأمین حقوق مندرج در این سند ضروری می‌دانیم. تنها پس از این بخش، به‌طور مشخص بر مطالبات حقوقی زنان در قانون اساسی تمرکز خواهیم کرد.

به‌طور کلی، دو نوع قانون اساسی وجود دارد. برخی از قانون‌های اساسی حداقلی هستند و تنها به بیان دغدغه‌های اصلی و چارچوب کلی حقوقی و سیاسی کشور می‌پردازند، و توسعه قوانین و سیاست‌های تفصیلی را به سیاستمداران، حقوق‌دانان، و دستگاه قضایی واگذار می‌کنند. با این حال، با توجه به تجربیات زنان در ایران و منطقه، و همچنین تمایل به نادیده گرفتن مطالبات زنان تحت پوشش فرهنگ و مذهب، ما مسیر دوم را برگزیده‌ایم. این رویکرد به مسائل حقوقی، سیاسی، و اقتصادی با جزئیات بیشتری می‌پردازد و فضای کمتری برای تفسیر محافظه‌کارانه سیاستمداران در جهت نادیده گرفتن یا تضعیف اهداف ما باقی می‌گذارد.

ما لایحه را در دو نسخه ارائه می‌کنیم. نسخه‌ی خلاصه‌تر شامل ماده‌های اصلی است که چارچوب قانون اساسی مورد نظر ما را ترسیم می‌کند—قانونی که به حقوق شهروندان پاسخ داده و خواسته‌های مشخص زنان را در بر می‌گیرد. این نسخه فاقد تفسیر یا دارای حداقل توضیحات است که با سبک مرسوم در نوشتار قانونی اساسی هم‌راستا است.

در مقابل، نسخه‌ی مفصل‌تر، به دلیل سلطه‌ی نگرش مردسالارانه در تفسیر قوانین اساسی، شامل زیرماده‌های دقیقی برای هر ماده‌ی اصلی است تا پیامدهای آن را برای قانون‌گذاری ملی و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی روشن کند. هدف ما این است که هر ماده و زیرماده‌های آن به‌طور جامع توسط کارشناسان، زنان و شهروندان علاقه‌مند بررسی و تحلیل شود و پیشنهادهایی برای بهبود ارائه گردد. این فرایند هم به آگاهی‌بخشی درباره‌ی مسائل مرتبط با حقوق زنان کمک می‌کند و هم به اصلاح و تکمیل لایحه یاری می‌رساند.

ما امیدواریم که چندین وینار را با محوریت ماده‌های مختلف لایحه برگزار کنیم تا زمینه‌ی بحث و تبادل نظر بیشتر را فراهم سازیم. همچنین، از سازمان‌های زنان در داخل و خارج از کشور دعوت می‌کنیم تا در فرآیند تکمیل و بهبود این لایحه مشارکت کنند و در پیشبرد آن سهیم باشند.

1. مجلس مؤسسان^{3،4}

مجلس مؤسسان، که وظیفه تدوین و تصویب قانون اساسی را بر عهده دارد، باید نهادی منتخب و بازتاب‌دهنده تنوع جنسیتی، اتنیکی⁵ و فرهنگی جامعه و متعهد به اصول جنبش 'زن، زندگی، آزادی' باشد. در تمامی حوزه‌های انتخاباتی، زنان باید حداقل ۵۰ درصد از نمایندگان را تشکیل دهند.

مجلس مؤسسان باید برای تدوین پیش‌نویس اولیه قانون اساسی با جریان‌های ذینفع، رایزنی و با نمایندگان شهروندان، احزاب و گروه‌های مدنی و سیاسی و مدافعان و فعالان حقوق زنان در سراسر ایران گفتگو کند. چنین فرآیند مشورتی و مشارکتی، فراگیری روح کثرت‌گرایانه و دموکراتیک حاکم در قانون اساسی را تضمین می‌کند.

2. سکولاریسم حکومتی⁶

تشکیل حکومت سکولار و دموکرات مبتنی بر عدالت اجتماعی و اقتصادی با هدف پیاده‌سازی دموکراسی سالم و کثرت‌گرا و به رسمیت شناختن احترام، و ارتقای حقوق همه شهروندان و ساکنان کشور، فارغ از خاستگاه‌های جنسی-جنسیتی، نژادی، اتنیکی، دین باور و دین ناباور، و دیگر مؤلفه‌های هویتی اهمیت بنیادین دارد. قانون اساسی باید سکولار باشد به طوری که در حکومت آینده عدم مداخله دین در وضع قوانین و اداره کشور تضمین شود.

3. نهاد دادگاه عالی قانون اساسی

ایجاد نهاد دادگاه قانون اساسی باید در قانون اساسی پیش‌بینی شود. مسئولیت اصلی این دادگاه تفسیر اصول قوانین کشوری در سایه روح و ارزش‌های قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر است. دادگاه عالی قانون اساسی باید تضمین‌کننده قوانین و سیاست‌ها با ارزش‌ها، روح آزادی و مواد مندرج در قانون اساسی همخوان و سازگار باشند.

³ توجه داشته باشید که در این سند، ما از واژه «حکومت» (State) برای اشاره به ساختار و نهادهای سیاسی کلی در قلمرو ایران استفاده کرده‌ایم. قانون اساسی (constitution) چارچوب حقوقی است که ساختار، اختیارات، وظایف یک دولت و همچنین حقوق و مسئولیت‌های شهروندان را تعریف می‌کند. «دولت» (government) به نهادها و گروه‌های مشخصی از افراد یا سیستمی گفته می‌شود که قدرت را اعمال کرده و امور کشور را مدیریت می‌کند.

⁴ جمع همبود فمینیستی پس از گفت‌وگوهای طولانی‌تصمیم گرفت که این لایحه‌باید از اصطلاحات حقوقی پیچیده پرهیز کند و به زبان ساده نوشته شود تا برای هر فرد علاقه‌مند، صرف‌نظر از آشنایی آن‌ها با اصطلاحات حقوقی، به راحتی قابل درک باشد.

⁵ پیش از تدوین این لایحه حقوقی، بحث‌های گسترده‌ای درباره استفاده از واژه «اتنیک» صورت گرفت، واژه‌ای که اخیراً توسط برخی پژوهشگران و کارشناسان ایرانی در این حوزه به‌کار گرفته شده است. برخی از ما با این انتخاب مخالف بودیم و از واژه‌های «قوم» و «اقوام» حمایت می‌کردیم، زیرا این واژه‌ها سابقه تاریخی طولانی‌تری دارند و برای افراد بیشتری آشنا و قابل درک هستند. با این حال، دیگران، از جمله افرادی با پیشینه‌های غیر فارسی، واژه «اتنیک» را ترجیح می‌دادند و اشاره داشتند که واژه «قوم» به مرور زمان بار معنایی منفی شدیدی پیدا کرده است. در نهایت، جمع تصمیم گرفت از واژه «اتنیک» استفاده کند، با وجود این که بسیاری از ما همچنان در این باره تردید داریم.

⁶ در حالی که ما به بحث‌های جاری پیرامون سکولاریسم و شیوه‌های گوناگون اجرای آن در کشورهای مختلف آگاه هستیم، در این سند، منظور ما مشخصاً جدایی دین از دولت است—بدین معنا که دین نباید هیچ گونه نقشی در امور حکومتی داشته باشد.

4. تضمین حقوق بشر

قانون اساسی باید همه حقوق بنیادین بشر را مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر را برای شهروندان و ساکنان قلمرو کشور ایران صرف نظر از گرایش جنسی-جنسیتی، اتنیکی، دینی، نژادی و مولفه‌های هویتی دیگر را به رسمیت بشناسد و تضمین کند. حقوق بشر، همان‌طور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) تعریف شده است، باید برای تمامی شهروندان و تمامی افرادی که در قلمرو کشور زندگی می‌کنند، بدون در نظر گرفتن نژاد، جنسیت، قومیت، گرایش جنسی، دین، یا هر هویت دیگری، در قانون اساسی تثبیت شود. همین‌طور برنامه ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد و اصول و روح آن باید جهت‌گیری اخلاقی قانون اساسی را در تمامی نهادهای حکومتی شکل دهد. در همین راستا قانون اساسی باید تأسیس یک کمیسیون مستقل حقوق بشر الزامی کند تا ضمن نظارت بر وضعیت حقوق بشر، ترویج و گسترش ارزش‌های آن را نیز بر عهده داشته باشد.

5. تضمین معاهدات بین‌المللی حقوق بشری در سطح ملی

تمامی کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد که به امضا و تصویب دولت به نمایندگی از طرف ملت و حکومت ایران می‌رسد باید از نظر قانونی لازم‌الاجرا باشند و به نحو مقتضی در همه انواع قوانین ایران بازتاب یابند.

6 سازمان برنامه اقدام ملی⁷ (National Action Plans)

قانون اساسی باید ایجاد سازمان برنامه های اقدام ملی را (بر اساس قطعنامه 1325 زنان، صلح و امنیت) الزامی کند. هدف این سازمان ارتقاء و تسهیل مشارکت فعال و معنادار زنان در تمامی ساز و کارها و نهاد های رسمی و غیر رسمی مرتبط با پیشگیری و حل منازعات با بودجه ای کافی خواهد بود. برنامه اقدام ملی در حوزه زنان، صلح و امنیت باید مأموریت داشته باشد که با ادغام دیدگاه جنسیتی در تمامی ابتکارات و راهبرد های صلح و امنیت به ترویج صلح و همبستگی ملی و پیشگیری از منازعات محلی و ملی بپردازد.

⁷ پایه و اساس این دستور کار با تصویب قطعنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل در سال 2000 گذاشته شد، که نتیجه سال‌ها بسیج‌گری توسط مدافعان و سازمان‌های فراملی زنان بود. این قطعنامه تاریخی نقش حیاتی زنان را در مذاکره برای صلح و جلوگیری از درگیری‌های داخلی به رسمیت شناخت. با گذشت زمان، چارچوب زنان، صلح و امنیت (WPS) گسترش یافت و 9 قطعنامه دیگر به آن اضافه شد تا رویکردی جامع‌تر به صلح و امنیت ارائه دهد. بسیاری از کشورها این قطعنامه‌ها را پذیرفته و متناسب با شرایط ملی خود تطبیق داده‌اند، و از آن‌ها به عنوان ابزارهایی برای پیشگیری از درگیری‌های بزرگ و حفاظت از حقوق بشر شهروندان، به‌ویژه زنان و دختران استفاده کرده‌اند. این تلاش جهانی مداوم، نقش غیرقابل‌انکار زنان را در فرایندهای صلح و ضرورت‌تهادینه‌سازی مشارکت آن‌ها برای ایجاد صلح پایدار تأکید می‌کند.

7. عدالت انتقالی، پاسخ به دادخواهی ها⁸

قانون اساسی باید کمیسیونی متشکل از کارشناسان مستقل و با منابع کافی تأسیس کند تا به عنوان یک نهاد عدالت انتقالی مؤثر، به جنایات سازمان یافته حکومت جمهوری اسلامی رسیدگی کند. این کمیسیون موظف است انواع خشونت های دولتی، از جمله اعدام های خودسرانه ی گسترده ی سیاسی، شکنجه، و حبس غیرقانونی هزاران مرد، زن، اعضای جامعه ی رنگین کمان، اقلیت های مذهبی، اصلاح طلبان دینی و دگراندیشان عقیدتی، از جمله دین ناباوران، را که از زمان تأسیس جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ تاکنون صورت گرفته، بررسی کند. این نظام عدالت انتقالی باید بستری را فراهم کند که قربانیان بتوانند تجربیات خود را بیان کنند، مجرمان مسئولیت جنایات خود را بپذیرند، و جامعه بتواند با گذشته ی خشونت آمیز حکومت جمهوری اسلامی مواجه شود. هدف این فرایند، ایجاد زمینه برای آشتی ملی، شکل گیری دموکراسی غیرخشونت آمیز، و تبدیل این مسائل به یک گفتمان عمومی و ملی است، همچنین با حک در حافظه تاریخی از تکرار این نوع جنایت جلوگیری کند. علاوه بر این، این سیستم باید چارچوبی برای ارائه غرامت به قربانیان داشته باشد. در ایجاد این نظام عدالت انتقالی، باید به شرایط ایران و تجربیات کشورهای دیگر، مانند آفریقای جنوبی، که ابتکارات مشابهی را انجام داده اند، توجه دقیق شود.

8. عدالت انتقالی و زنان⁹

زنان، به عنوان نیمی از جمعیت، از آغاز جمهوری اسلامی با خشونت سیستماتیک دولتی، مستقیم و غیرمستقیم، مواجه بوده اند. با وجود سرکوب، آنان پیشگام بسیج اجتماعی برای دادخواهی، حمایت از قربانیان خشونت حکومتی، و مطالبه عدالت برای آنان و خانواده هایشان بوده اند. این زنان با تکیه بر تجربیات زیسته و خرد جمعی خود، خواسته هایی را مطرح کرده اند که باید در چارچوب عدالت انتقالی گنجانده شود.

⁸ از آنجا که طراحی عدالت انتقالی فراتر از هدف این سند است، ما به جای آن اصولی را که معتقدیم باید در این فرایند گنجانده شوند، ارائه کرده ایم.

⁹ به دلیل سرکوب گسترده و طولانی مدت در سال های حکومت اسلامی و آسیب های فیزیکی، روانی و مالی وسیعی که به زنان داغدار و خانواده هایشان وارد شده است، تلاش برای دستیابی به عدالت به یکی از ارکان اصلی تغییرات بنیادین اجتماعی تبدیل شده است. زنان، مادران، دختران و خانواده های داغدار، بار سنگین تلاش برای عدالت را در طول این دوره به دوش کشیده اند. در میان این زنان، گروه هایی مانند «مادران صلح»، «مادران خاوران»، «مادران پارک لاله» و سایر مادران داغدار و انجمن بازماندگان قربانیان پرواز PS752 در ایران، کانادا و چند کشور مرتبط با پشتکار به دنبال عدالت بوده اند. این زنان، با وجود از دست دادن همسران، فرزندان، برادران و تحمل درد فقدان یا ستم های تحمیل شده بر آن ها، مسئولیت سازمان دهی زندگی بازماندگان را نیز بر عهده گرفته اند. از این رو، آن ها بخش قابل توجهی از گروه عدالت خواه را تشکیل می دهند.

9 کمیسیون تحقیقات بررسی وریشه یابی قوانینخشونت زا و خشونت پرداز علیه زنان و اقلیت ها و جایگزینکردن آن ها با قوانین حقوق بشری¹⁰

قانون اساسی باید کمیسیون تحقیقات بررسی قوانین و ریشه‌یابی و ریشه کن کردن قوانین خشونت پرداز و خشونت زاعلیه زنان و اقلیت ها را تشکیل دهد. اهداف این کمیسیون بررسی موارد خشونت محور علیه اقلیت ها و زنان است که در نتیجه نقض هر دو وجه از تعهد دولت، یعنی نقض تعهدات مثبت دولت به مفهوم عدم ارتکاب خشونت علیه زنان و اقلیت ها، و نقض تعهدات مثبت دولت به مفهوم حمایت و ارتقای ایمنی برای زنان و اقلیت ها، توسط دولت صورت گرفته است. چنین تحقیقی باید در چارچوب سیدا (CEDAW) و اعلامیه حقوق بشر (Universal Declaration of Human Rights) و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای ریشه کنی هر نوع خشونت و رفع همه اشکال تبعیض باشد. «کمیسیون تحقیقات ملی» و کمیته‌های فرعی آن برای تحقق اهدافشان موظف به همکاری با تشکیلات اقلیت ها و «تشکیلات کشوری زنان» (ماده ۲۱ این سند) و «کمیسیون ملی زنان» (ماده ۲۲ این سند) و کمیته حقیقت‌یاب و آشتی ملی و نهاد مستقل حقوق بشر (ماده 3.3) و نظام عدالت انتقالی (ماده های 6 و 7 این سند) باشند.

10 حقوق شهروندی زنان : برابری و عدم تبعیض در برابر قانون

همه افراد در قلمرو ایران صرف نظر از تابعیت، دین، گرایش جنسی- جنسیتی، و اتنیکی و مؤلفه‌های هویتی دیگر در برابر قانون و تحت آن برابری و حق برخورداری از حفاظت و مزایای برابر را دارند. حکومت موظف است همه اقدامات لازم را برای تحقق این حقوق بدون تبعیض اتخاذ کند.

11 حق حضور و امنیت زنان در جامعه و تردد در اماکن عمومی¹¹

قانون اساسی باید حق آزادی تردد و حضور زنان را در اماکن و فضا های عمومی، بدون در نظر گرفتن طبقه، دین، قومیت، نژاد، جنسیت، یا هویت جنسی-جنسیتی، تضمین کند. این حق شامل برخورداری از امنیت فیزیکی و روانی در اماکن عمومی و هنگام سفر، در فضایی عاری از هرگونه خشونت جنسی-جنسیتی است.

12 تضمین دسترسی به آموزش باکیفیت علمی و سکولار

آموزش باکیفیت علمی، سکولار، فراگیر و عادلانه یک حق بنیادی بشر است و باید رایگان، برابر و بدون محدودیت برای همه ساکنان کشور، از جمله زنان، اقلیت‌های محروم، افراد توان‌یاب و اقوام و مذاهب گوناگون، در تمامی سطوح و رشته‌های تحصیلی در دسترس باشد.

¹⁰ جامعه ایران، صرف نظر از جنسیت، نژاد، اقلیت های مذهبی به ویژه دین ناباوران و گروه های رنگین کمان (LGBTQ+)، نقض شدید حقوق بشر توسط دولت را به نام دین و «امنیت ملی» متحمل شده است. بررسی و شناخت این آسیب های ملی و رفع آن ها برای ایجاد ساختارهای حقوقی و فرهنگی قوی بر اساس اصول حقوق بشر و ایجاد فرهنگ ملی عدم خشونت ضروری است.

¹¹ فضای عمومی به هر محیط سرگشاده و یا بسته که برای عموم قابل دسترسی باشد، از جمله فضاهای دیجیتال، اشاره دارد. این تعریف شامل املاک خصوصی مسکونی، دفاتر کاری، یا محیط‌های کاری که برای مشتریان یا بازدیدکنندگان عمومی قابل دسترسی نیستند، نمی‌شود.

13 دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و سلامت

قانون اساسی باید دسترسی زنان را به یک سیستم بهداشتی ملی، جامع، فراگیر و باکیفیت تضمین کند، که شامل خدمات مورد نیاز زنان توان یاب، بهداشت باروری، سلامت مادر و نوزاد، پیشگیری رایگان و ایمن از بارداری، آزمایش‌های تشخیصی دوران بارداری، و سقط جنین امن در سراسر کشور باشد.

14 حقوق اقتصادی زنان، اشتغال و بازار کار

قانون اساسی باید فرصت‌های برابر برای ورود به بازار کار، دسترسی به سرمایه و اعتبارات، دستمزد برابر و تامین اجتماعی متناسب با نیاز، برای زنان را تضمین کند. بدیهی است شکوفایی توانایی‌های اقتصادی و رفاه پایدار زنان مستلزم آن است که الگوی توسعه اجتماعی-اقتصادی کشور به سمت اشتغال‌زایی، برقراری نظام تامین اجتماعی سراسری، حفاظت از منابع طبیعی در همه ابعاد آن به ویژه آب، و توزیع عادلانه درآمدها هدایت شود، به گونه‌ای که فقر مطلق از میان برود و فقر نسبی کاهش یابد و توزیع ثروت به سمت عادلانه‌تر در جامعه پیش برود.

15 زنان و محیط زیست

تخریب و کاهش کیفیت محیط زیست تاثیر قابل توجه و فاجعه باری به ویژه از منظر جنسیتی، و بخصوص در مناطق روستایی و کشاورزی داشته است. قانون اساسی قانون باید تضمین کند که یک کمیته تخصصی اکوفمینیستی بخشی از نهاد سیاست‌گذاری، برنامه ریزی زیست محیطی ملی و محلی باشد. دستور کار توسعه پایدار سازمان ملل متحد برای سال 2030 به ویژه اهداف توسعه پایدار شماره 6، 7، 13 و 14 می‌توانند دستور عمل قابل دستیابی مناسبی را ارائه دهند.¹²

16 حق شکوفایی فردی، جسمی، هنری و فرهنگی زنان

حق زنان برای شکوفایی فردی، جسمی و فرهنگی باید در چارچوبی بین‌المللی و بر اساس دیدگاهی مبتنی بر برابری جنسیتی رویکرد در هم تنیدگی جنسیتی مورد حمایت دولت قرار گیرد.

¹² دستور کار 2030 طرح جهانی در سال 2015 توسط سازمان ملل متحد برای دستیابی به توسعه پایدار تصویب شد. این برنامه شامل 17 هدف توسعه پایدار (SDGs) که هدف آن‌ها رسیدگی به چالش‌های جهانی مانند فقر، نابرابری، تغییرات اقلیمی و تخریب محیط زیست تا سال 2030 است. اهداف SDGs 6 (آب پاک و بهداشت)، SDGs 13 (اقدام اقلیمی) و SDGs 14 (تمرکز و پاکسازی آب و زیست بوم آب و زیست بوم‌ها) هستند. این موضوع حائز اهمیت بسیاری است زیرا در حال حاضر مردم با چالش‌های مربوط به تضاد منافع در استفاده از منابع آب و پروژه‌های بهره‌برداری و تلاش‌های حفاظت از محیط زیست روبرو است.

17 دسترسی به فضای مجازی

دولت باید حق دسترسی برابر و امن به اینترنت و فضای مجازی عاری از خشونت جنسی – جنسیترا برابرناتضمین کند.

18. برابری حقوقی در عشق، خانواده، و زندگی مشترک

قانون اساسی باید اجرای قانون خانوادگی برابر و دموکراتیک را بدون توجه به گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی، اتنیکی، دینی یا هر مؤلفه هویتی دیگری، برای همه شهروندان و ساکنان کشور مطابق با اصول و روح مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، و سایر اسناد مرتبط سازمان ملل متحد را تضمین کند و دولت باید ملزم به اجرای آن باشد.

19 حقوق مشارکت سیاسی زنان

قانون اساسی باید حقوق سیاسی را برای تمامی شهروندان، که به سن قانونی بلوغ رسیده‌اند، بدون در نظر گرفتن جنسیت یا هویت‌های دیگر، برکنار از آزار، تهدید و خشونت تضمین کند. قانون اساسی باید حقوق سیاسی زنان و برابری جنسیتی را در همه پست‌های انتخابی برای نمایندگی سیاسی در تمام سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی تضمین کند و زنان همواره پنجاه درصد کرسی‌ها را در تمام حوزه‌های انتخاباتی داشته باشند.

20 نمایندگی و مشارکت معنادر زنان در سمت‌های تصمیم‌گیری و اجرایی

حکومت باید نمایندگی زنان و مشارکت معنادر و مؤثر آنان را در سمت‌های تصمیم‌گیری و پست‌های اجرایی در سطوح متفاوت، تضمین کند و برای تحقق این هدف تدابیر لازم را اتخاذ کند.

21 مشارکت زنان و دسترسی به عدالت در قوه قضائیه

قوه قضائیه باید ضامن رفتار برابر و منصفانه با زنان، و رای طبقه، باورهای دینی یا غیردینی (سنت‌های فرهنگی)، هویت جنسی-جنسیتی، و اتنیکی آنها باشد. به علاوه حکومت باید انتصاب قضات زن را در تمام سطوح قوه قضائیه تضمین کند.

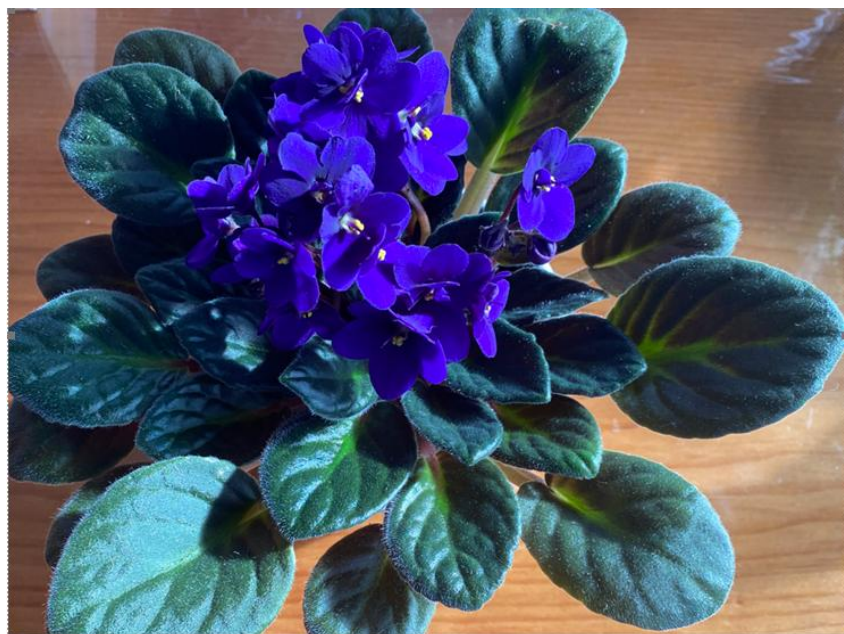
22 تشکیلات کشوری امور زنان: سازوکارهای اجرایی و نظارتی در ساختارسیاسی کشور

لازم است ساختاری مؤثر برای تحقق برابری جنسیتی مطابق با روح و مفاد قانون اساسی و در راستای برطرف کردن نابرابری‌های جنسیتی دیرینه اجتماعی و اقتصادی شکل بگیرد. قانون اساسی باید مناسبترین چارچوب را برای «تشکیلات ملی امور زنان» به منظور نظارت بر سیاست‌ها و برنامه‌های ملی و اجرایی آنها تدارک ببیند. به دلیل نامعلوم بودن نوع و ساختار حکومت آینده، شکل و ساختار تشکیلات زنان نیز به فوریت روشن نیست و لازم است در پیش‌نویس قانون اساسی درباره

ویژگی‌های آن توضیح داده شود. پس در این سند از عنوان موقت « تشکیلات کشوری امور زنان» برای تعیین کارکرد این نهادسیاسی استفاده می‌شود.

23 کمیسیون ملی زنان (National Commission of Women)¹³

قانون اساسی، باید الزام تشکیل کمیسیون ملی زنان (NCW)، در قالب نهادی مستقل و با شعبه‌هایی در تمام استان‌ها تاکید کند. این کمیسیون وظیفه‌ی دیدباتی در تنظیم، اجرا و پایش قوانین برابری جنسیتی را برعهده دارد. کمیسیون ملی زنان با تاکید بر در هم تنیدگی و تنوع مسایل زنان، مغایرت قوانین و اجرای آن‌ها را در انطباق با ماده‌های مربوط به برابری جنسیتی مندرج در قانون اساسی نظارت و دیده‌بانی می‌کند. کمیسیون ملی زنان به عنوان یک نهاد کلیدی به منظور تقویت همکاری و ارتباط بین سازمان‌های حقوق بشر زنان و نهادهای دولتی در باره قوانین، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مسائل زنان مربوط می‌شود، فعالیت می‌کند.



¹³ با توجه به گسترش تبعیض در قوانین و شیوه‌های فرهنگی، بسیاری از کشورها اقدام به تشکیل یک نهاد مستقل کرده اند که اغلب به نام کمیسیون ملی زنان (National Commission of Women) یا گونه‌ای مشابه نامیده می‌شود. این نهاد به منظور تنظیم و انسجام همکاری بین نهاد‌های مدنی زنان و حکومت تشکیل می‌شود و وظیفه آن مشاوره به نهاد‌های حکومتی مربوط به سیاست‌های جنسیتی است. همچنین در مورد ارتباط دولت و جنبش زنان، به منظور پاسخگویی بهتر دولت به مطالبات زنان و فعال بودن آن در برخورد با تبعیض علیه زنان را منسجم می‌کند.